

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

احمد طارق فیض

۱۳۰۹۰۹

بیانید به مثل ما شوید!

منزل و مقصود قرآن دیگر است

رسم و آئین مسلمان دیگر است

در دل او آتش سوزنده نیست

مصطفی در سینه او زنده نیست

پروردگار رحم کند بالای امت مسلمه واقعاً در چند قرن اخیر شایستگی و برازندگی خود را قسماً باخته است. خیلی درد آور است برای مسلمان با وجدان و محب اسلام قابل تحمل نیست اما واقعیت عینی گویای ذلت، سر افگندی، عقب افتادگی، وابستگی و انحراف امت می باشد. ما مسلمانان باید پیش از دیگران ناقد خود باشیم، نقد های سازنده مع راه حل به امت و جامعه اسلامی پیش کنیم، بیشتر جست و جو کنیم تا علت گرا نی را پیشه کنیم همیشه در جست و جوی علت فاجعه و پسمانی امت شویم و همزمان با خود بدیل قانع کننده داشته باشیم.

زمانیکه انسان به حیات صحابه مشاهده میکند از هر لحاظ با زندگی امروزی مسلمانان متفاوت بوده است در حالیکه اسلام از آغازش الی یوم قیامه یک اسلام است و هیچگونه تفاوت در اصول اسلام نخواهد آمد.

اگر کمی دقیق شویم مشاهده میشود مشکل در اسلام نیست بلکه در ما مسلمانان است، در برداشت کلیشه ای و غلط مان از اسلام، در برخورد بی اعتنا گرایانه مان در مقابل اسلام مشکل عمده نهفته است. تفاوت عمده صحابه با مسلمین امروز در دو چیز دیده میشود و آن عبارت از برداشت و برخورد شان با اسلام می باشد. برداشت آنها از اسلام خیلی متفاوت بود تا برداشت ما از اسلام، آنها برداشت باز، آگاهانه و واقعینانه از اسلام داشتند در حالیکه برداشت ما محض برداشت سنتی، محدود، آلوده با خرافات، کم رنگ و غیر آگاهانه می باشد. برخورد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم نهایت متفاوت تا برخورد ما مسلمانان با اسلام می باشد. آنها واقعاً معتقد بودند محمد فرستاده خدا است، آنچه وی آورده از جانب پروردگار برای هدایت بشریت و سهل ساختن زندگی

مادی می باشد. بناءً به اسلام ارزش قایل بودند به تک تک از شعائر عمل میکردند و با دندان های خویش ریسمان دین را محکم گرفته بودند اما برخورد مسلمانان امروزی در مقابل اسلام نهایت بی اعتنا گرایانه است، ما امروز به دین ارزش قایل نیستیم و رستگاری را در راه ها و مکاتب دیگر جست وجو میکنیم.

نتیجه اینکه پروردگار در توصیف اصحاب میفرماید که ما از اینها راضی شدیم و اینها از ما، اشتباه نکنید اصحاب در شعار دادن این مقام جلیل و مبارک را کسب نکردند بلکه آنها نمونه ها و الگو های عملی اسلام بودند. از جانب دیگر آنقدر اسلام را بسط بخشیدند حتی امپراتوری های متعدد در دامن اسلام ذوب شد، فرهنگهای متعدد در ظرف باز اسلام ذوب شدند و فرهنگ و تمدن اسلامی آنقدر از کیفیت بالا برخوردار بود حتی قرن ها بشریت را هویت بخشید و راه را برای بشریت باز و هموار نمود تا قله هال تعالی را ببیمایند.

خجستگی اصحاب در صداقت شان بود آنها هویت اسلامی داشتند به جهانیان دعوت می نمودند تا بیایند به مثل ما شوید یعنی بیایند رستگار شوید، از بند جهل، ظلمت و استبداد خود را آزاد سازید، ذهنیت عقب گرایانه، غیر منطقی و احمقانه تان را دور اندازید. واقعاً این حرف جاذبه دارد و گفتن همچو حرف جرأت مندی میخواهد. امروز غرب ناگزیر میشود تا بپذیرد رجال صدر اسلام واقعاً ممثل بر زندگی، خلاقیت، شرافت، عزت و تشکیل دهنده جامعه واقعاً خلاق انسانی بودند.

سؤال در اینجا است آیا امروز ما مسلمانان میتوانیم جهان را دعوت کنیم تا بیایند مثل ما شوید؟؟؟ جواب آشکار است نیاز به بحث ندارد، خیر ما نمیتوانیم خود را بحیث الگو های اسلامی برای جهانیان عرضه داریم چون امت به فرسنگها فاصله دارند از اصل خویش. از جانب دیگر هر کسی را اگر دعوت کنیم تا بیایند به مثل ما شوید، آن فرد تمسخر میکند حق هم دارد تا تمسخر کند، به مانند ما شوند که چی؟؟؟ رستگاری دق الباب کند؟ خورشید خوش بختی در زندگی به تابش گیرد؟ پیروزی دنیا و آخرت نصیب اش میشود؟؟؟ از طرف دیگر جوامع اسلامی عمده جزء جهان سوم می باشد، فقر و بد بختی بی داد میکند، در مجموع اکثر جوامع اسلامی وابسته به غیر می باشند. هر نوع آسیب و آفت جوامع اسلامی را تهدید میکند. در چنین یک حالت چگونه ما میتوانیم جهان را دعوت کنیم تا بیایند به مثل ما شوید. همچنان بعضی ها جهان را دعوت میکند تا بیایند به مثل اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شوید، این تقاضا غیر عاقلانه است جهانیان از ما تقاضا دارند تا شما اولاً به مثل اصحاب شوید و برای جهانیان به اثبات برسانید که همچون تقاضا امکان تحقق دارد و یا خیر.

من باورمندم تا زمانیکه ما مسلمانان عروج اخلاقی نداشته باشیم و در عرصه مادیات و زندگی به تعالی نرسیم و مانند اصحاب گرانقدر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خود و جامعه را به حیث الگو های اسلامی به جهانیان عرضه نداریم هیچگاه به مجد و عزمت به باد رفته خود نخواهیم رسید. بعضی ها از کرکتر سلف صالح در واقع کرکتر افسانه ئی ساخته اند و طوری وانمود میکنند گویا شخصیت و کرکتر اسلامی سلف صالح تنها در رؤیا ها و افسانه ها ترسیم میشود اما در زندگی حقیقی رسیدن به همچو شخصیت مهال می باشد. این ذهنیت فاسد و غیر عاقلانه است گذشتگان به مانند ما انسانها بودند از ایشان به مانند ما خطا و اشتباهات سر میزد تمام احکام جزاء، حلال و حرام و همه اسلام در حیات آنها به اتمام رسیده است. پروردگار در یکجا از شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به حیث شخصیت فرا اخلاقی یاد میکنند و در جای دیگر پیامبرش را الگو برای تک تک از مسلمانان قرار میدهد تا مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی از ایشان متابعت کنند. به معنی دیگر تقاضای اسلام و قران اینست تا هر مسلمان محمد ثانی جامعه خود باشد به مانند محمد صلی الله علیه وسلم شخصیت اخلاقی، اجتماعی و شخصیت همه پسند داشته باشند.

ما در برخورد مان با اسلام نیاز به تجدد داریم. قرائت موجوده در جامعه افغانی در واقع قرائت و برداشت خشک، غیر آگاهانه و آسیب پذیر است. اسلام دین و مکتب استوار بر اساس حد اقل آگاهی درون دینی می باشد امروز اکثریت ملت محروم از روحیه و پیام دین می باشند آنچه را از گذشتگان شان تحت عنوان دین به ارث برده اند حفظ میکنند، درست و عدم درست بودن برای شان چندان ارزش ندارد. یعنی در جامعه ما به آنچه اسلام گفته میشود که از گذشتگان مان به ارث برده ایم در حالیکه همچو قرائت و برداشت از دین کاملاً با روحیه باز اسلام در تضاد قرار دارد. حلال این مشکل در واقع تجدد است یعنی برگشت به اصل و آب دادن تمام باور ها و ارزشهای حاکم توسط چشمه قرآن و سنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم.

هر زمان مسلمانان آنقدر رشد اسلامی نمودند تا دیگران را دعوت کنند(تا بیائید به مثل ما شوید) آن زمان در واقع امت آماده برای رهبری قافله بشریت می باشد و بدون شک مسلمانان میتوانند تا بشریت را رهبری نمایند به شرطیکه در یک دست قرآن و در دست دیگر سنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را داشته باشند.

با احترام